

«اسرار عبادات» در اندیشه سیدبن طاووس

محمد هادی فلاح*

چکیده

بازشناسی «اسرار عبادات» در اندیشه رضی الدین علی بن طاووس، دانشمند و عارف بزرگ قرن هفتم هجری، ضرورتی است که تاکنون درباره آن پژوهشی انجام یا ارائه نشده است. مقاله پیش رو، به اندازه مقام و مجال، با استناد به آثار وی، گامی در این راه برداشته است.

مسئله اسرار عبادات از شوون عرفانی و ویژه عارفان است و از سوی آنها ترویج شده است. خاستگاه نظریه های عارفان در این باره، دعاها، عبادات و اشاره هایی است که اولیای دین در این خصوص بیان کرده اند. سیدبن طاووس همانند دیگر عارفان به این مهم پرداخته است. در این مقاله، مسئله اسرار عبادات از نظر گاه و بی با عنوان های زیر سامان یافته است:

۱. مقدمه

۲. اسرار عبادات از دیدگاه سید:

الف) خاستگاه مسئله اسرار عبادات؛

ب) شرایط بیان اسرار عبادات: ۱. مأذون بودن؛ ۲. استقامت.

ج) سرمناسبت زمانی در عبادات.

در این نوشته، از سیدبن طاووس رحمته الله علیه با نام «سید» یاد خواهد شد.

کلیدواژه ها

اسرار عبادات، سر، عارفان، شریعت، طریقت، دعاها، اذن، استقامت، مصلحت، مناسبت زمانی.

*. تحصیلات حوزوی؛ خارج فقه و اصول؛ نیز: کارشناسی ارشد رشته تصوف و عرفان اسلامی؛

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۳/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۴/۲۴.

مقدمه

از مسائلی که توسط عارفان رواج یافته، مسئله «اسرار عبادات» است - که به اعتباری - از مسائل علم عرفان عملی است و این مقاله به جنبه باطنی عبادات و اعمال قلبی می‌پردازد. این مسئله، یکی از شؤونات عرفانی و ویژه عارفان است.^۱

به باور عارفان، آموزه‌های دین افزون بر لفظ و معنای ظاهری (= شریعت)، دارای حقیقت‌ها و باطن تودرتو و توبرتو (= طریقت) هستند. به باور آنها این مهم در جعل احکام از سوی آیین‌گذار مقدس، مورد توجه بوده است.^۲ «و إليه جل جلاله الاختیار فیما تعبد به من العبادات». ^۳ از این رو، آنان برای عمل، به اسرار درونی عبادات توجه داشتند و در این باره دستورهایی گفته یا نوشته‌اند؛ سیدبن طاووس هم می‌گوید: «واعلم أيها الأخ أیدک الله وإیانا بروح منه أنك إذا نظرت أسرار النوامیس الإلهیة و تأملت السنن الشرعیة و تبینت أغراض واضعی النوامیس کان هذا الذی ذکرت لک». ^۴ خاستگاه این مسئله، دعاها، عبادات و اشاره‌هایی است که بزرگان دین در این باره بیان کرده‌اند. زیرا بسیاری از دستورهای شریعت (به معنی عام)، ویژه طریقت و جنبه باطنی عبادات است.

سید نیز با تأثیرپذیری از عارفان به این مسئله روی آورده است. بیشترین مسائلی که در آثار او مطرح شده، دعاها و عبادات است. او در جای جای آثار خود به اسرار آنها پرداخته است؛^۵ برای نمونه به اسرار نماز، اذان، اقامه،^۶ رکوع،^۷ سجده^۸ و... اشاره کرده است.^۹

وی در کتاب غیاث سلطان الوری لسکان الثری نکته‌های ظریف و تأمل‌برانگیزی را درباره نماز آورده که معانی آن، شفای عارفان است.^{۱۰} او در همین کتاب، معنای باطنی و اسرار اذان را بازگفته است.^{۱۱} همچنین در کتاب کشف المحجّة زیر عنوان عبادت‌های پنجگانه (نماز، زکات، روزه،^{۱۲}

حج و جهاد) اسراری را بیان کرده است.^{۱۳} سید در آنجا به فرزند خود وعده بیان اسرار روزه عقل و قلب را داده بود.^{۱۴}

وی فلسفه باطنی پاره‌ای از عبادات را با فضای عارفانه بیان کرده است.^{۱۵} او در حقیقت، همان لطف عرفانی و سلوکی که در عبادات و دعاهای آل‌الله علیهم‌السلام وجود داشته را گسترش داده و در عارفان پس از خود نیز تأثیر گذار بوده است.^{۱۶} از این رو می‌توان کوشش وی را در این باره از مهم‌ترین کارهای عرفانی او برشمرد. نگارش کتاب *اسرار الصلاة و أنوار الدعوات* به گونه‌ای خاص، گزارش متن‌های عبادی با درون‌مایه‌ای رمزآلود در جای جای آثار وی به گونه‌ای عام، همچنین توجه ویژه او به کتاب *مصباح الشریعة*^{۱۷} گواه این مدعاست. مسئله اسرار عبادات از نظرگاه او در چند محور قابل توجه است که به اندازه‌مقام به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

الف) خاستگاه مسئله اسرار عبادات

از نظر سید، عبادات، اسرار نهانی دارند که پاره‌ای از آنها کشف و بازگو شده است. عبادات و دعاهای دینی، حقیقت‌هایی هستند که از دل و جان پیامبران و بزرگان الهی برآمده و از این رو دارای اسرار تودرتو و چند لایه‌اند. به باور او، آگاهی از درون این برگزیدگان برای دل‌ها و اندیشه‌ها در مقامات فرودست، امکان‌پذیر نیست؛ «إن أسرار خواص الله "جل جلاله" ونوابه ما يتطلع كل أحد علی حقيقة معناه».^{۱۸}

از این رو، دریافت اسرار عبادت‌هایشان [بی‌واسطه آنها] برای هرکس ممکن نیست. او بر این باور است که تنها، کسی که بر هدف‌ها و نهان‌ها آگاهی دارد، تمام اسرار عبادات را می‌داند:

فإن أسرار العبادات لا يعلمها جميعها [جميعا] الا المطلع علی الغایات [الغایات] وإليه جل

جلاله الاختیار فیما تعبد به من العبادات.^{۱۹}

أما تعيين وجه اختيار الله جل جلاله من العبدان تكون خدمته له بجنس من الطاعات و على وجه متعين في بعض الأوقات، فهذا طريقة عن العالم بالعائبات على لسان رسله عليهم السلام و على لسان ملائكته و من شاء من خاصته عليهم أفضل الصلوات.^{۲۰}

مسئله اسرار عبادات در بيان عارفان، برگرفته از اين مهم است. در نظر آنها، دعا و عبادت امامان عليهم السلام جلوه گاه حيرت انگيز لطائف معارف حقه^{۲۱} به شمار می رود و سررئزي معاشقه و مصاحبت عصمت و طهارت عليهم السلام با يگانه مطلق عليه السلام و كشف الأسرار مبدأ معرفت ها است.^{۲۲} و نیز "أدق^{۲۳} معارف غيبی^{۲۴} است که از تجليات الهی حاصل می شود."^{۲۵}

حضرت امام خمینی عليه السلام بنيانگذار جمهوری اسلامی ايران، آن عارف بزرگ نیز در ادامه راه سید، درباره شرایط و چگونگی صدور دعا از اولیای خلص می فرماید:

آنان که در پیشگاه عظمت حق تعالی از خود فانی شده اند و جز او چیزی نمی بینند در آن حال، کلام و ذکر و فکری نیست و خودی نیست؛ این ادعیه کریمه در حال صحو قبل از محو^{۲۶} یا بعد از محو^{۲۷} که خود را در حضور حاضر می بینند صادر شده است و دست ما و همه کس غیر از اولیا خلص از آن کوتاه است.^{۲۸}

ایشان دعاهای معصومین عليهم السلام را باب معارف می دانستند و می فرمودند:

باید باب معارف را از ادعیه فهمید، نمی توان باب معارف را از اخباری که مورد خطاب مردمان علم ندیده و حکمت ندیده بوده فهمید. باید معارف را از ادعیه آنها آموخت، چون طرف خطاب در ادعیه، حق سبحانه است؛ لذا می بینی جملات فصوص در معنی با ادعیه، موافق است.^{۲۹}

به باور سید، خداوند عليه السلام برای اولیای خود پرده از این اسرار برداشته است^{۳۰} و عقل و نقل برای این مدعا گواهی می دهند.^{۳۱} سید این مسئله را غیر از وحی برمی شمرد.^{۳۲} او آنچه را از جناب رسول الله عليه السلام صادر شده را با پشتوانه عظیم الهی و خاستگاه اسرار ربانی و از سر آگاهی یاد می کند:

«أنه صدر عن النبي الأعظم المؤيد بالأنوار والوحي والاتصال بالعناية الإلهية والاطلاع على الأسرار الربانية والمصالح الدينية والدينية».^{۳۳}

سید باور دارد اسراری را که اهل بیت علیهم السلام در قنوت های خود باز گفته اند، راهنمای حقیقی دیده و روان و صاحبان بینش است:

واعلم أن في هذا القنوتات إشارات منهم علیهم السلام إلى ما كانت حالتهم عليه في تلك الأوقات وإلى معرفتهم بما يتجدد بعدهم من تأخير دولتهم وإظهار التألم من دفعهم عن إمامتهم وعن فرض طاعتهم وفيها من الأسرار ما قد دلوا عليه كثيراً من ذوی الأبصار.^{۳۴}

وی درباره دعایی از امام جواد علیه السلام می نویسد: «فإنه من أسرار الله عند خاصته».^{۳۵} به باور وی، دریافت این اسرار، بسته به گذشتن اختیار خداوند تعالی از گذار سه واسطه است: الف) زبان پیامبران علیهم السلام؛ ب) زبان فرشتگان؛ ج) زبان برگزیدگان: «فهذا طريقة عن العالم بالغائبات على لسان رسله علیهم السلام وعلى لسان ملائکته و من شاء من خاصته عليهم أفضل الصلوات».^{۳۶}

رویکرد سید به بیان اسرار عبادات و صدور دستورهای عارفانه، درباره آن به خاطر اشاره هایی بوده که از اهل بیت علیهم السلام در این باره وارد شده است: «الذی رویناه عن سلفائنا الطاهرين العارفين بتأويل القرآن وأسرار رب العالمين».^{۳۷} یا درباره اسرار اذان و اقامه می نویسد: «هما مسنونان وفيهما أسرار».^{۳۸} «و إذ قد ذكرنا بعض ما روينا من أسرار الأذان والإقامة».^{۳۹} او برای دعاها و عبادات اسراری از خود بیان نکرده بلکه با اثرپذیری از قرآن کریم، روایتها، دعاها و عبادات معصومین علیهم السلام و مستند به آنها اسراری را آورده و درباره آنها نظر و دستور عرفانی داده است:

ولقد وجدت من دعوات النبي صلی الله علیه و آله والأئمة علیهم السلام في الاستخارات ما يفهم منه قوة العناية منه صلی الله علیه و آله و منهم علیهم السلام بها و تعظيمهم لها حتى لقد وجدت أنها من جملة أسرار الله "عز وجل" التي أسرها إلى النبي صلی الله علیه و آله لما أسرى به إلى السماء وأنها من أهم المهام و وجدت أن آخر مرسوم خرج عن مولانا المهدي علیه السلام و على آباءه الطاهرين دعاء الاستخارة وهذا حجة بالغة عند العارفين.^{۴۰}

ب) شرایط

از نظر سید، بازگویی اسرار عبادات دو شرط دارد. از سویی، گوینده و بازگوکننده آن باید اذن داشته باشند، از سوی دیگر شنونده آن باید اهل استقامت و توفیق بوده و برای او به مصلحت گفته شود. در این قسمت، به بررسی این دو شرط می‌پردازیم:

۱. مأذون بودن

سید، تشابه لفظ و معنای پاره‌ای از دعاها را دارای اسراری می‌داند که برگزیدگان، به اذن خداوند ﷻ و اذن جناب رسول الله ﷺ در پاره‌ای از زمان‌ها برای بعضی‌ها بیان می‌کنند: «و ربما جاء فی بعض الدعوات المذكورة مشابهة لفظ أو معنی لأجل ما عرفته من الأسرار المذكورة التي يذكرها خواصه عنه جل جلاله و بإذنه و إذن رسوله ﷺ فی زمان دون زمان و لإنسان دون إنسان».^{۴۱}

او به مأذون بودن خود در بیان پاره‌ای از اسرار اشاره کرده است.^{۴۲} همچنین کشف و طرح بعضی از اسرار نماز و دعاها را بسته به اذن داشتن خود دانسته بود.^{۴۳} در عرفان (علمی و عملی) از مسائل مهم، مسئله پای بندی سالک به اذن و رخصت خداوند ﷻ و اذن و رخصت پیر و مراد و مرشد مأذون به عنوان واسطه است، مانند اذن در دریافت، اطلاع، احاطه، اظهار، تصرف، حرکت‌ها، رفتارها و... شاید سید با بیان «بعض ما فتح الله جل جلاله مما أنشأته»^{۴۴} به همین مسئله اشاره دارد. از تکیه فراوان او بر «استخاره» که نوعی اذن خواهی است اهمیت مسئله اذن در نظریه بیشتر دانسته می‌شود.

۲. استقامت

سید، بیان اسرار عبادات را برای همگان روانمی‌داند بلکه آن را ویژه اهل استقامت دانسته و برای آنها لازم می‌شمرد: «فلنذكر ما نريد ذكره مما يحتاج إليه أهل الاستقامة».^{۴۵} وی در بیان نکات

عارفانه درباره اذان و اقامه، می نویسد: «و یقول کل کلمة منهما بالصدق و موافقة السريرة للعلائية على صفة أهل الاستقامة».^{۴۶} به باور او، گوینده اسرار باید شایستگی این مهم را در شنونده خود بیابد و سپس به بیان اسرار برای وی بپردازد: «فإن أدركت یا ولدی موافقة توفيقك لكشف الأسرار عليك».^{۴۷} ظریف تر و دقیق تر اینکه او حتی پس از لزوم بیان اسرار عبادات برای اهل استقامت، آنها را با مصلحت اظهار می کرد: «تذكر بعضها بحسب المصلحة الآن».^{۴۸} «أقول: ولعل هذه الرواية تختص بوقت دون وقت و على حال دون حال و لانسان دون إنسان».^{۴۹} به باور او، راهنمایی و آموزش دعاها، به اندازه توان افراد بوده و به قابلیت آنها باز می گردد.^{۵۰}

هر چند سید، تعریف روشنی از «اهل استقامت» به دست نمی دهد، اما پس از امامان علیهم السلام آنها را سرمشق و میزانی برای ره پویان می داند: «ثم يسلك به سبيل معرفة النبوة و الإمامة على قاعدة تعريف النبي صلى الله عليه و آله و الأئمة عليهم السلام و من سلك سبيلهم [سبيلهم] من أهل الاستقامة، فهذا كان كافياً لمن يريد تحصيل السلامة و سعادة الدنيا و يوم القيامة».^{۵۱}

نکته قابل توجه این است که: کسی که به اسرار عبادات آگاهی یافته، در صورتی می تواند آنها را برای دیگران باز گو کند که اذن داشته باشد و مخاطبان او اهل استقامت و توفیق باشند و کشف سرّ به مصلحت باشد و گرنه چنین اذنی نخواهد داشت.

ج) سرّ مناسبت زمانی در عبادات

سید در نوشته های خود به اهمیت مناسبت زمانی در عبادات و رمزآلود بودن آنها پرداخته است. در این قسمت به این مسئله از نگاه او به عنوان محوری از اسرار عبادات اشاره می شود. سید با توجه به اهمیت مناسبت زمانی و اسرار آن در روایت های وارد شده، آثار خود را با نگاه به زمان دعاها و اعمال به صورت سالانه، ماهانه، هفتگی و روزانه سامان داده است. به باور او

اهل بیت علیهم السلام پیشرو اقتداگران و هدایت جویندگانند: «وكانوا قدوة لمن اقتدى بأثارهم واهتدى بأنوارهم».^{۵۲} از این رو، اسرار مناسبت زمانی را نیز مستند به سیره امامان معصوم علیهم السلام باز گفته است:

أما تعيين وجه اختيار الله جلّ جلاله من العبدان تكون خدمته له بجنس من الطاعات و على وجه متعين في بعض الأوقات، فهذا طريقة عن العالم بالغائبات على لسان رسله عليه السلام و على لسان ملائكته و من شاء من خاصته عليهم أفضل الصلوات.^{۵۳}

و سوف نذكر من طريق الاخبار طرفا من العبادات و الاسرار في الليل و النهار المقتضية لنعيم دار القرار، فلا تكن عن الخير نواما و لا لنفسك يوم القيامة لواما.^{۵۴}

”یا“ إنما نذكر هاهنا رواية تتضمن سبب تعيين أوقات الفرائض لينكشف بذلك وجهه و سره.^{۵۵}

او با عنایت خداوند تعالی آغاز هر ماه را می دانست^{۵۶} «و اعلم ان الله جلّ جلاله تفضل علينا باسرار ربانية و أنوار محمدية و مبارّ علوية، منها تعريفنا بأوائل الشهور».^{۵۷}

او در کتاب *اقبال و فلاح السائل* بیش از هر جای دیگر به اهمیت مسئله سرمناسبت زمانی و اسرار عبادات پرداخته است. وی به کسانی که اندازه یک روز، قصد سفر داشتند سفارش می کرد تا کتاب *الأسرار المودعة في ساعات الليل و النهار* را همراه خود داشته باشند: «ينبغي أن يحمل معه لنهاره في أسفاره كتاب الأسرار المودعة في ساعات الليل و النهار».^{۵۸}

به باور سید، برای عبادت، دعا و حالت های انسان، از میان مناسبت های عبادی، مناسبت زمانی با راز و رمز، آمیخته تر و تمام ترین است: «فان لأوقات القبول أسراراً لله "جلّ جلاله" ما تعرف الا بالمنقول».^{۵۹} (زمان های پذیرش، اسراری دارند که از آن خداوند است و جز به آیه ها و روایت ها شناخته نمی شوند.) و بر اساس دیدگاه علامه حسن زاده آملی: «برخی به معقول نیز شناخته و با شعوری مرموز ادراک می شود».^{۶۰}

سید در بیان پاره‌ای از اسرار زمانی می‌نویسد:

اوقاتی را که او «جل جلاله» برای حبّ و قرب و دهش و بخشش خود گزینش کرده، بی‌شک برای بندگان، اقبال و عید به‌شمار می‌آید و زمانه‌ای است که خشنودی او «جل جلاله» در آن است و این در حساب بندگان نمی‌گنجد.^{۶۱}

در این قسمت به چند نمونه از مناسبت‌های زمانی که سید درباره‌ی رمزآلود بودن آنها مطالبی نوشته اشاره می‌شود. وی در پاره‌ای از مناسبت‌های زمانی مانند شب بیست و پنجم ذی‌الحجه به‌رغم بیان پاره‌ای از اعمال، انجام اعمالی را که به دهش‌های ویژه می‌انجامد، دستور داده است: «و دخول فیما فتحه الله "جل جلاله" فی تلك الليلة من الأنوار والاسرار».^{۶۲}

او باور دارد که خداوند «جل جلاله» بر اساس مصالحی که برای بندگان در دنیا و آخرت سودمند است، زمان‌های عبادت را ویژه‌ی خود قرار داده است: «اعلم أنّ أوقات العبادات والمراد منها لله جلّ جلاله فی تلك الأوقات مرجعه إلى العالم بمصالح العباد و ما يكون أنفع لهم فی الدنيا و المعاد».^{۶۳} به باور او شکوه زمان‌های معین مانند دهه‌ی اول ذی‌حجه را باید با جان و دل و زبان، پاس داشت و آن را با مراقبت و پاکیزگی و با شیرینی شکر و ذکر گذراند.^{۶۴} او زمان را از سوی خداوند «جل جلاله» ویژه عبادت و خدمت می‌داند. به باور او، زمان به جعل الهی، زمینه‌ای برای گسترش رحمت او است. از نظر او پرداختن به کاری دیگر در زمان‌های عبادت، سرقت زمان شمرده می‌شود و نوعی شکستن حرمت و بیرون رفتن از دایره‌ی رضایت او است.^{۶۵} وی از ماه‌های سال به عنوان مراحل و منازل تکامل یاد می‌کند.^{۶۶}

چنانکه گذشت، سید تمام زمان‌ها را یکسان نمی‌داند، بلکه آن را برای تمام افراد و حالت‌ها مناسب نمی‌داند: «أقول: ولعلّ هذه الرواية تختصّ بوقت دون وقت و علی حال دون حال و لانسان

دون انسان».^{۶۷} او سربلند بیرون رفتن از پاره‌ای مناسبت‌های زمانی را دشوار می‌داند، از این رو، نگارش کتاب «فلاح» را با فرارسیدن ماه‌های رجب، شعبان و رمضان به کناری نهاده بود.^{۶۸}

اعلم أننا كنا قد ذكرنا في أول ليلة من رجب وأول يوم منه طرفاً من حرمة هذا الشهر والحمى
الذي جعله الله جل جلاله، مما لا يسهل على العارف به الخروج عنه وأنت ان كنت مسلماً تجد
فرقاً بين الدخول في حرم الملوک و حماهم لرعاياهم و بين الخروج عن الحمى و الحرم الذي
شرفهم به و حفظهم بسببه و وقاهم.^{۶۹}

او برای استقبال از پانزدهم ماه رجب، اسراری را پذیرفته و به صورت جداگانه به بیان آنها برای
این ماه پرداخته است.^{۷۰} او شب‌های قدر (یعنی نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک
رمضان) را دارای اسرار الهی و سودمندی‌هایی برای بندگان می‌داند: «وجدت في الأخبار أن كل ليلة
من هذه الثلاث ليل المذكورة فيها أسرار لله جل جلاله و فوائد للعباد [عبادة] مذخورة».^{۷۱}

سید، مناسبت عید فطر را برای گشایش باب سعادت و رسیدن به بخشش‌های تازه الهی تا عید
فطر سال بعد بی سابقه و بی تکرار می‌داند. از نظر او سعادت‌های الهی در پاره‌ای از زمان‌ها نهفته
است و این بر خردمندان پوشیده نیست.^{۷۲}

در پایان، پیشنهاد می‌شود مسئله «اسرار عبادات از دیدگاه سید»، به صورت جداگانه و کامل در

پایان‌نامه‌ای بحث و بررسی شود.

پی نوشت ها

۱. ر.ک: محی الدین بن عربی، *الفتوحات المکیة*؛ همو، *مجموعه رسائل ابن عربی*، همو، *فصوص الحکم*؛ محمد بن حمزة فناری، *مصباح الأتس*؛ ابو حامد غزالی، *احیاء العلوم الدین*؛ علاءالدوله سمنانی، *مصنفات فارسی*؛ عبدالرزاق گیلائی، *شرح فارسی مصباح الشریعة*؛ همو، *مفتاح الحقیقة*؛ سیدحیدر آملی، *تفسیر المحيط الأعظم*؛ میرزا جواد ملکی تبریزی، *اسرار الصلوة*؛ همو، *المراقبات*؛ امام خمینی علیه السلام، *سر الصلوة*؛ همو، *آداب الصلوة*؛ همو، *شرح چهل حدیث*؛ همو، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*؛ همو، *شرح دعای سحر*.
۲. سیدبن طاووس، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، ص ۱۲۵.
۳. همو، *الإقبال بالاعمال الحسنة*، ص ۳۰۸.
۴. همو، *فرج المهموم*، ص ۱۱۶.
۵. همو، *كشف المحجة لثمره المهجة*، ص ۱۹۲ و ۲۰۰؛ همو، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، ص ۳۴۸؛ همچنین در کتاب های *فلاح السائل*، *اسرار الصلاة و أنوار الدعوات*، مکرر به این امر توجه داشته است.
۶. همو، *فلاح السائل*، ص ۱۵۱.
۷. همان، ص ۱۰۸.
۸. همان، ص ۱۱۰.
۹. همان، ص ۹۸؛ همو، *كشف المحجة*، ص ۱۹۷-۱۹۸.
۱۰. همو، *فلاح السائل*، ص ۱۲۷.
۱۱. همان، ص ۱۴۴.
۱۲. همو، *كشف المحجة*، ص ۱۹۹-۲۰۰.
۱۳. همان، ص ۱۹۷-۲۰۲.
۱۴. همان، ص ۲۰۰.
۱۵. همو، *فلاح السائل*، ص ۱۲۵.
۱۶. برای نمونه: میرزا جواد ملکی تبریزی، *اسرار الصلوة*؛ همو، *المراقبات*؛ امام خمینی علیه السلام، *سر الصلوة*؛ همو، *آداب الصلوة*؛ همو، *شرح چهل حدیث*؛ همو، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*؛ همو، *شرح دعای سحر*.

۱۷. «عن الصادق علیه السلام: فانه كتاب لطيف شريف في التعريف بالتسليك إلى الله جل جلاله و الإقبال عليه و الظفر بالأسرار التي اشتملت عليه.» سيدبن طاووس، *الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان*، ص ۹۱-۹۲.
۱۸. همو، *الإقبال*، ص ۲۰۰.
۱۹. همان، ص ۳۰۸.
۲۰. همان، ص ۴.
۲۱. «ای کاش کسی می آمد و این ادعیه ائمه علیهم السلام را ترجمه می کرد، این را شرح می کرد، این ادعیه، خیلی محتاج به شرح است. و ما اگر این ادعیه را بتوانیم یک اشخاص عارفی، عارف صحیح، دلسوخته پیدا بشود که اینها را برای مردم تشریح بکند، همه چیز در اینها هست، در عین حالی که دعاست.» امام خمینی علیه السلام، *صحیفه امام*، ج ۲۱، ص ۵.
۲۲. «ما مفتخریم که ادعیه حیاتبخش که او را «قرآن صاعد» می خوانند از ائمه معصومین ما است. ما به «مناجات شعبانیه» امامان و «دعای عرفات» حسین بن علی علیه السلام و «صحیفه سجاده» این زبور آل محمد و «صحیفه فاطمیه» که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است.» همان، ج ۲۱، ص ۳۹۶-۳۹۷.
۲۳. دقیق ترین.
۲۴. «روایات و ادعیه دو راه متفاوت در اخذ معارف است. اگر این گفته های ما درست تعقل شود، بسیاری از روایات حل می شود...» سید عبدالغنی اردبیلی، *تقریرات فلسفه*، ج ۲، ص ۱۸۳.
۲۵. امام خمینی علیه السلام، *صحیفه امام*، ج ۲۱، ص ۲۰۹.
۲۶. اشاره است به مقام هوشیاری عبد به منزلت عبودیت، پیش از آنکه فانی در حق تعالی شود.
۲۷. اشاره است به مقام هوشیاری حاصل از بقای به حق، بعد از فانی شدن در او.
۲۸. امام خمینی علیه السلام، *صحیفه امام*، ج ۲۰، ص ۴۳۸.
۲۹. سید عبدالغنی اردبیلی، *تقریرات فلسفه*، ج ۲، ص ۱۸۳.
۳۰. سیدبن طاووس، *فتح الأبواب*، ص ۱۰۷.
۳۱. همو، *الطرائف*، ج ۲، ص ۴۶۵.
۳۲. همو، *الإقبال*، ص ۶۵.
۳۳. همو، *الطرائف*، ج ۲، ص ۴۵۱.

٣٤. همو، مهج الدعوات، ص ٦٩.
٣٥. همان، ص ٢٥٨.
٣٦. همو، الإقبال، ص ٦٥.
٣٧. همو، سعد السعود للنفوس المنضود، ص ١٣٠.
٣٨. همو، فلاح السائل، ص ١٥١.
٣٩. همان.
٤٠. همو، فتح الأبواب، ص ١٩٢.
٤١. همو، فلاح السائل، ص ١٧.
٤٢. همان، ص ٦-٧.
٤٣. همان، ص ٩.
٤٤. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ١٠٤، ص ٣٩.
٤٥. همان، ص ١٥١.
٤٦. همان.
٤٧. سيدبن طاووس، كشف المحجة، ص ١٠٤.
٤٨. همو، فلاح السائل، ص ١٥١.
٤٩. همو، الإقبال، ص ١٤.
٥٠. همو، الأمان، ص ١١٠.
٥١. همو، كشف المحجة، ص ٦٨.
٥٢. همو، الإقبال، ص ٥٢٩.
٥٣. همان، ص ٤.
٥٤. همان، ص ٦٢٦.
٥٥. همو، فلاح السائل، ص ١٢٥.
٥٦. همو، الإقبال، ص ١٥.

۵۷. همان.

۵۸. همو، الأمان، ص ۹۰.

۵۹. همو، الإقبال، ص ۵۲۷.

۶۰. حسن حسن زاده آملی، رسالة نور علی نور، ص ۵۸.

۶۱. همو، الإقبال، ص ۳۰۹.

۶۲. همان، ص ۳۷۷.

۶۳. همان، ص ۵۲۹.

۶۴. همان، ص ۳۱۶.

۶۵. همو، الإقبال، ص ۴۵۱.

۶۶. همان، ص ۶۲۶، ۵۴۱ و ۶۸۲.

۶۷. همان، ص ۱۴.

۶۸. همان، ص ۶۸۲.

۶۹. همان.

۷۰. همان، ۶۵۶.

۷۱. همان، ص ۶۴.

۷۲. همان، ص ۲۷۵.

منابع

قرآن کریم.

۱. اردبیلی، سید عبدالغنی، *تقریرات فلسفه*، چ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، بهار ۱۳۸۱ ش.
۲. حسن زاده آملی، حسن، *رسالة نور علی نور*، (ضمیمه مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، ترجمه علی بن طیفور بسطامی)، علامه حسن زاده آملی، چ اول، [بی جا]، انتشارات حکمت، شعبان ۱۴۰۷ هـ ق - بهار ۱۳۶۶ ش.
۳. خمینی، روح الله، *صحیفه امام* (مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام)، چ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، پاییز ۱۳۷۸ ش.
۴. سیدبن طاووس، علی، *الإقبال بالأعمال الحسنة*، چ دوم، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۷ ش.
۵. —، *الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان*، چ اول، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۶. —، *سعد السعود للنفس المنضود*، قم، انتشارات دارالذخائر، [بی تا].
۷. —، *الطرائف*، قم، چاپخانه خیام، ۱۴۰۰ ق.
۸. —، *فتح الأبواب* (جلد ۱)، چ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۹. —، *فرج المهموم* (جلد ۱)، قم، دارالذخائر، توضیحات: کتاب حاضر از نسخه سال ۱۳۶۸ ق که در نجف اشرف منتشر شده عکس برداری شده است.
۱۰. —، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، چ اول، قم، بوستان کتاب، [بی تا].
۱۱. —، *كشف المحجة لثمره المهجة*، چ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. —، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، چ اول، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت - لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.